

مطالعه تطبیقی خانه‌های سنتی کرمانشاه و سنندج در دوره قاجار و پهلوی

بهنوش ملکی‌زاده

دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

محمد مهدی سروش^۱

استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

صلاح‌الدین مولانایی

استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران

منوچهر فروتن

استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۶

چکیده

به دلیل تغییرات پیش آمده سبک زندگی در قرن گذشته، خانه‌های سنتی به طرز فاجعه‌آمیزی در معرض تخریب قرار دارند. با توجه به اینکه بخش اعظم بناهای تاریخی را خانه‌های سنتی تشکیل می‌دهند می‌توان به اهمیت بررسی و توجه به این نوع بناها پی برد. بنابراین مساله شناخت خانه‌های سنتی و دسته‌بندی الگوهای بکار رفته در آنها، جهت شناخت و دسته‌بندی بناهای مشابه می‌تواند حائز اهمیت باشد. هدف از این پژوهش تشویق به بازگشت گذشته و تقلید از معماری سنتی نیست؛ بلکه پاسداشت این گنجینه گرانمای تاریخی و دریافت چگونگی رخت بر بستن مفاهیم فضایی گرانقدر این خانه‌ها می‌باشد. به دلیل آنکه بیشترین تعداد خانه‌های تاریخی موجود در کرمانشاه و سنندج، قاجاری و پهلوی می‌باشند، در این مقاله به مطالعه تطبیقی خانه‌های دوره قاجار و پهلوی پرداخته شده است، روش تحقیق مورد استفاده ترکیبی می‌باشد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که آیا یافته‌های حاصل از بررسی معماری سنتی خانه‌ها می‌تواند به برگیری الگویی جهت طراحی امروزی راهگشا باشد یا خیر؟ در نهایت یافته این پژوهش این بوده است که توجه به عناصر تشکیل دهنده خانه‌های سنتی به دلیل انعطاف‌پذیری با خواسته‌های امروزی توان پاسخگویی به برگیری الگویی جهت طراحی به روز را خواهد داشت.

واژگان کلیدی: خانه‌های سنتی، خانه‌های کرمانشاه، خانه‌های سنندج، قاجار و پهلوی

^۱ نویسنده مسئول: Soroush@iauh.ac.ir

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی معماری نگارنده تحت عنوان «گونه‌شناسی فرهنگی-اجتماعی خانه‌های سنتی کردنشین غرب ایران در دوره قاجار و پهلوی اول: شهر کرمانشاه» می‌باشد که به راهنمایی دکتر محمد مهدی سروش و دکتر صلاح‌الدین مولانایی و مشاوره دکتر منوچهر فروتن که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان به انجام رسیده است.

۱- مقدمه

نیاز به سر پناه همواره یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان بوده است. بر این اساس خانه‌ها را می‌توان یکی از قدیمی‌ترین آثار معماری به شمار آورد، به طوری که عناصر دیگر معماری از بعد زمان، فرع بر آنها می‌باشد. خانه یکی از مباحث مهم در معماری می‌باشد که کمتر به آن پرداخته شده است. نیاز به خانه (به مفهوم واقعی) در این زمان بسیار احساس می‌شود، می‌بایست با شناخت معماری گذشته و تطبیق که یکی از روشها و فعالیت‌های کلیدی، کاربردی و راهگشا در علوم مختلف به خصوص در مرحله شناخت می‌باشد؛ با این مفاهیم به شناخت آنها پرداخت. بنابراین می‌توان با مطالعه تطبیقی خانه‌ها به شناخت کاملتر و جامع‌تری از آنها دست یافت که انجام آن تأمل و مطالعات ویژه‌ای بر اصل موضوع تطبیق را ایجاب می‌نماید. بنابراین در ابتدای کار تحقیقاتی، به بررسی تعاریف و مفاهیمی از خانه‌های سنتی با استفاده از کتب و نظرات اساتید آگاه پرداخته و در ادامه آنچه مهم به نظر می‌رسید جمع‌آوری اطلاعات، شناخت و شناسایی بافت تاریخی بود. پس از دستیابی به بخشی از اطلاعات به تطبیق چند خانه در کرمانشاه و سنندج پرداخته شده است.

۲- مبانی نظری

در این بخش به بررسی مفاهیم خانه، تعاریف و خصوصیات خانه در دوره قاجار و پهلوی در کرمانشاه و سنندج پرداخته می‌شود. و در ادامه به روش تطبیق و پس از آن به مقایسه این خانه‌ها از چند منظر پرداخته می‌شود.

۱-۲ خانه

خانه قدمتی به اندازه زندگی انسان دارد و از اولین نمادهای حضور اوست. خانه پاسخی به نیازها و خواست‌های فطری بشر است و از اینرو به اسامی متفاوتی خوانده می‌شود. آنچه در اولین تصور از خانه در ذهن تداعی می‌گردد اشاره‌ای است به یک سر پناه یا مسکن و یا مکانی برای آسایش و آرامش که می‌تواند حتی شامل یک اتاق و یا یک چهار دیواری گردد (Barati, 2008). خانه‌ها در معماری سنتی ایران از دو حوزه فضایی متفاوت به وجود آمده‌اند. بخش بیرون که محل پذیرایی مهمانان، مراودت اجتماعی، اصطبل خانه و در مجاورت فضای ورودی بوده است. فضای درون بخش اندرونی است که محل زندگی ساکنان به ویژه زنان و کودکان بوده است که می‌بایست تنوع زیادی داشته باشد تا احساس خستگی به وجود نیورد. ارتباط این دو بخش کم بوده و افراد غریبه به اندرونی خانه راه نداشتند. برحسب موقعیت اجتماعی مالک، هر خانه ابعاد متفاوتی داشت. بخش بیرونی یا اندرونی دارای اتاق‌هایی بوده است که با تعداد درهای آن شناخته می‌شده است. مانند سه دری، پنج دری، هفت دری و در اتاق‌های سه دری هیچگاه از فضای آزاد وارد آن نمی‌شدند بلکه از راهرو کنار آن وارد می‌شده‌اند. در حیاط از تناسبات طلایی ایرانی که یک مستطیل در داخل هشت ضلعی است استفاده می‌شده است.

۲-۱-۱ خانه سنتی دوره قاجار

خانه در معماری سنتی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. خانه‌های مسکونی بسیاری از دوران‌های مختلف تاریخی ایران به جای مانده که علاوه بر ارزش تاریخی در واقع بازگوکننده هویت ملی ایران و نشان‌دهنده سبک

زندگی مردم هر دوره می‌باشد. با بررسی این خانه‌های ارزشمند می‌توان به سیر تحول معماری ایرانی پی برد. از دوره سلطنت حکومت قاجار بناهای بسیاری در کشورمان برجای مانده که بخش اعظمی از این بناها شامل منازل مسکونی اشرافی دوران قاجار می‌باشد. با بررسی معماری خانه‌های قاجار امکان دستیابی به حقایق بسیاری در مورد معماری این عصر و به تبع آن خانه‌های سنتی میسر خواهد شد.

معماری قاجار با افزایش برقراری روابط بین‌المللی ایران با خارج از کشور، ورود اجناس و محصولات کشورهای اروپایی به ایران و حضور بیشتر توریستهای خارجی در تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران به معماری اروپایی گرایش یافته و فرهنگ غربی بیش از پیش در نوع زندگی ایرانی‌های عصر قاجار به چشم می‌خورد. رنگ‌های قرمز و نارنجی جای رنگ‌های سبز و لاجوردی را که در معماری سنتی پیش از قاجار وجود داشته را گرفته است. تصاویر برهنه و نیمه برهنه به تزیینات دیوار و سقف خانه افزوده شده است. برخی از عناصر اصلی خانه‌های ایرانی حذف شده یا کمرنگ شده است همچون هشتی‌ها. دوره قاجار را می‌توان دوره خودباختگی فرهنگی ایران به غرب دانست که معماری این دوره اثباتی بر این حقیقت تلخ می‌باشد (Ghasemi Seichani, 2011).

۲-۱-۱-۱-۱-۱-۲ تزئینات به کاررفته در خانه‌های قاجاری

- ستونها و سرستونهای مرمرین به سبک اروپایی.
- آیین‌های قدیمی با گچبری‌های پرکار و ظریف.
- محوطه‌سازی انگلیسی و فرانسوی با سطوح وسیع چمن‌کاری، درختان زیتنی و بوت‌های، حوضچه‌ها و حوض‌های مربع مستطیل کوچک و بزرگ، گلکاری باغچه‌ها و خطوط کلی محوطه‌سازی و باغ‌سازی که تا حدی از حالت محوری خارج گردیده است.
- نقاشی‌های دیواری با موضوعات مختلف از قبیل وقایع تاریخی مهم، چهره پردازی‌ها، نگارگری‌ها و مناظر، که تمام سطوح داخلی دیوارها را پوشانده است.
- مجموعه‌ای مرمرین و مفرغی در داخل و خارج ساختمان.
- ارسی^۱ و شیشه‌های رنگی.
- آذین‌بندی فضاهای داخلی و خارجی با استفاده از میزها، صندلی‌ها و مبلمان (The same, 2011).
- رنگ مسلط به بنا؛ زرد و نارنجی که گوشه‌ای از معماری قاجار را شکل می‌دهد (Ghobadiyan, 2005).

۱. واژه ارسی در فرهنگ عمید به معنی در اتاقی است که بر روی حیاط باز می‌شده است و پنجره بزرگ چوبی که یک جبهه اتاق را به طور کامل می‌پوشانده و دارای بازوهای کشویی بالارونده و شیشه‌های رنگین است. استاد "پیرنیا" در تعریف واژه ارسی متقد است که برخی گمان می‌کنند ارسی به پنجره‌ای اطلاق می‌شود که به تدریج از معماری روسی در ایران رواج یافته در صورتی که پیش از آنکه ارسی در معماری روسی جایی باز کند در بناها و نقاشی‌های ایران مشاهده می‌شده است.

۲-۱-۲ خانه‌های سنتی پهلوی

با شروع این دوره، دوره قبلی به پایان نمی‌رسد و بناهای منطبق بر اصول دوره پیشین هنوز در این دوره ساخته می‌شده است. معمارانی که در این زمان به عنوان پیشگامان نسل دوم نامیده شده‌اند در یک ظرف فرهنگی قابل تبیین هستند. تاثیر فرهنگ و تمدن غرب، میراث تاریخی ایران با نقش پررنگ معماری قبل از اسلام و برآمدن معماری از بطن این دوره مبنای شکل‌گیری معماری این دوران بوده است (Vaezi, 2019). از این دوره است که عناصر و تزئینات اروپایی وارد معماری خانه‌ها شده و با تاثیر قرار دادن تزئینات نماها، رفته‌رفته به معماری فضاهای داخلی خانه‌ها نیز تعمیم یافته است. در این دوره هنوز ساماندهی فضاها مطابق با الگوی معماری ایرانی است، ولی عناصری از جمله ایوان ستوندار، سرستون‌های به سبک معماری اروپا، فرم در و پنجره، کتیبه‌ها و فرم سردرها، آئینه‌کاری در تالار و طنبی، وجود نقاشی‌های دیواری در اتاق‌ها و موتیف‌های مورد استفاده در تزئینات بنا تغییر می‌یابد و به فرم و اشکال اروپایی نزدیک می‌شود. هنوز در این دوره نظم پلان با نما منطبق است و یکی از بارزترین مشخصه‌های این دوره، قرارگیری راه پله در محور اصلی ساختمان است. در معماری سنتی ایران پله به عنوان یک عنصر مهم و نمایان به خصوص در فضای ورودی استفاده نمی‌شده است و معمولاً پله‌ها را با ارتفاع زیاد و در نقاطی از ساختمان قرار می‌دادند که از جلوه و زیبایی چندانی برخوردار نبود. کاربرد پله به عنوان یک عنصر نمایان و کاربردی - تزئینی در معماری خانه‌های این دوره به تقلید از معماری اروپا رایج بوده است. ایوان ستوندار یکی دیگر از مشخصه‌های بارز این دوره است. در این دوره با ورود این ایوان‌ها در معماری خانه‌ها، تغییراتی عمده در نمای بناها به وجود آمد و سرستون‌های اروپایی با تزئینات یونیک و کرتین و تزئینات برگ کنگر در این ساختمان‌ها دیده می‌شده است (Bani Masoud, 2011).

در این دوره به علت حضور تحصیل کرده‌های اروپایی در ایران معماری ایران تفاوت بسیار واضح نسبت به سابقه تاریخی خود پیدا کرده و معماری ایرانی جای خود را به معماری مدرن اروپایی به سبک مدرن داده است. خانه در این برهه از تاریخ دچار تغییر گشته و معماری مسکن در این سالها برای معماری بعد از خود نقطه عطفی محسوب می‌شده است. معماران آن دوره درصدد انتقال کالبد مسکن اروپایی به معماری ایران بوده‌اند. بطورکلی سبک معماری در این دوره تلفیقی از خانه‌های سنتی ایران به همراه برخی از نماهای فرهنگی می‌باشد. در پی تحول سبک معماری در احداث خانه‌ها، کم‌کم اصلی‌ترین مفهوم فکری و کالبدی معماری درونگرایی جای خود را به برونگرایی در شکل‌گیری خانه‌ها داده است.

۳- موقعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی ناحیه غربی

ناحیه غربی ایران که شامل دو استان نوار مرزی کرمانشاه و کردستان به همراه همدان، لرستان و ایلام می‌باشد که گاه استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان را نیز شامل می‌شود. از سایر شهرهای مهم آن خرم‌آباد، همدان، ایلام، بروجرد، کبودر آهنگ، ملایر، رزن، ازنا به علاوه تبریز، ارومیه، اردبیل، زنجان، مراغه، خوی، جلفا، ملکان، ابهر، هریس، میانه، مشگین‌شهر، کلیبر، اهر، میاندوآب، بناب و ... است. در گذشته، قسمت عمده و

غربی از ناحیه جبال (عراق عجم) بوده است. در سال ۱۳۱۶ این ناحیه به طور عمده به عنوان «استان غرب» به مرکزیت شهر کرمانشاه یکی از شش استان ایران و سپس به عنوان استان پنجم از ده استان ایران بوده است (ماده ۲: اصلاح تقسیمات کشوری، استانهای دهگانه، ۱۳۱۶. پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات کشور). در عراق نیز شهرهای دهوک، اربیل، سلیمانیه و کرکوک جزء شهرهای غربی ایران شمرده می‌شوند. در پژوهش حاضر به بررسی مناطق کردنشین غرب ایران پرداخته شده است.

مناطق کردنشین غرب ایران شامل: شهرهای دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، کرمانشاه، سنندج و ایلام می‌باشد که در این میان گونه‌شناسی خانه‌های سنتی دوره قاجار و پهلوی شهر کرمانشاه لحاظ شده است. لحاظ صرفاً مناطق کردنشین از میان مناطق غربی ایران؛ ابتدا وسعت بسیار زیاد این پژوهش به واسطه وسعت زیاد منطقه جغرافیایی می‌باشد و علاوه بر آن تفاوت فرهنگی - اجتماعی بارزی که در غرب ایران در این منطقه وسیع وجود دارد؛ از زبان گرفته تا سبک زندگی‌های متفاوت. به دلیل تعاملات فرهنگی - اجتماعی مناطق کردنشین، منطقه کردنشین انتخاب شده است. و در میان منطقه کردنشین به طور خاص به شهرهای کرمانشاه و سنندج پرداخته شده است. در این شهرها خانه‌های با ارزش به جا مانده از دوره‌های مختلف تاریخی متأسفانه به دلیل دگرگونی در سبک زندگی و از دست دادن جذابیت برای زندگی امروز، همچنین به دلیل مهاجرت مالکین اولیه و تعدد مالکین در معرض تخریب قرار گرفته‌اند.

شهرهای غربی به دلیل نزدیکی با دروازه‌های زاگرس و قرارگیری در ارتفاع کم؛ تنها راه عبور به داخل رشته کوه کردستان شمرده می‌شوند و مسیری آسان‌تر از این مسیر برای ورود به فلات ایران وجود ندارد. علاوه بر آن نقشه‌ها و مستندات تاریخی بیانگر آن هستند که این شهرها از نظر دفاعی و نظامی (برای کل کشور) بسیار مهم بوده است. علاوه بر آن از گذشته‌های دور ناحیه تجارتی مهمی در مسیر شبکه بازرگانی زمینی به شمار می‌آمده‌اند که کالاهای تجارتی چین و آسیای جنوب شرقی از طریق آنها به مقصد بازارهای خاورمیانه و اروپا صادر می‌شده است. شیوه تولید اقتصادی این مناطق در حوالی سالهای ۱۲۷۰ ه.ش؛ همچون دیگر شهرهای ایران، پیشاسرمایه‌داری و مبتنی بر نظام ارباب- رعیتی بوده است؛ لذا شهرها مکان تجارتی داخلی و دربردارنده نطفه تجارت خارجی بودند، در حالیکه روستاها همچنان به شیوه کهن متکی بودند. از طرف دیگر رونق تجارت خارجی در حوالی سالهای ۱۲۰۰ ه.ش و شرایط بین‌المللی، این منطقه را به یکی از گره‌های تجاری میان ایران و کشور عثمانی تبدیل کرد. درآمدهای گمرکی از پشته‌های ارزی دولت به شمار می‌رفت و جهت پرداخت دیون دولت بریتانیا اختصاص می‌یافت. رونق کشتیرانی در دجله توجه تجار انگلیسی را به سوی راه تجاری بصره- بغداد- کرمانشاه معطوف نمود و بر رونق راه بغداد- کرمانشاه و به تبع آن شهرهای مجاور کرمانشاه افزود (عیسوی، ۱۹۸۳). چنین پدیده‌هایی باعث رشد و رونق تجارتی منطقه و زندگی مسالمت‌آمیز ثروتمندان و فقرا در کنار هم شد. در سایه این رونق صادرات و واردات کرمانشاه به بالغ بر چندین میلیون مارک رسید و سبب مهاجرت بازرگانان تبریزی، اصفهانی و تجار کلدانی از سنندج و بازرگانان یهودی از بغداد به کرمانشاه گردید از زمانیکه ارتباط با اروپا بازارهای بغداد را توسعه داد، برای تبادل

کالا با شهرهای مزبور، طبیعی‌ترین میدان عرضه و راه صدور کرمانشاه بود به همین دلیل در دوره قاجار گمرک غرب کشور از همدان به کرمانشاه انتقال یافت. در واقع راه تجارتي تهران- همدان- کرمانشاه- بغداد یکی از پنج راه اصلی تجارت ایران در عصر قاجار بود (گروته، ۱۹۹۰).

موقعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی این شهرها سبب شد تا این منطقه در اوایل دوره قاجار به عنوان مهمترین، بزرگترین و پرجمعیت‌ترین مناطق کردنشین تبدیل شود (مک داوول، ۲۰۰۷). در مورد ساختار و جایگاه این منطقه در دوره قاجار می‌توان گفت این منطقه از عناصر گوناگون با عملکردهای مختلف سیاسی، اقتصادی، مذهبی (مسلمان، یهودی، مسیحی و ...) و فرهنگی (عشایر و شهرنشین‌ها) برخوردار بوده که در چارچوب یک نظام سازمان یافته است. این عناصر با توجه به شرایط زمان، منعکس‌کننده روابط قدرت، مذهب، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع هستند (جدول ۱).

جدول ۱: عوامل مؤثر در توسعه شهر کرمانشاه در دوره قاجار

عوامل مهم در توسعه منطقه	مصادقات/ بناهای مهم	اهمیت/ ویژگی	تعامل با سایر عوامل
اقتصادی	بازار سراسری، گمرک و دروازه‌های شهر	گذر کاروانها از مسیر بازار، استقرار بازرگانان و تجار قرارگیری کاروانسراهای متعدد در مسیر بازار، رونق اقتصادی و شکل‌گیری اصناف متعدد	همجواری بازار با میدان اصلی، مسجد جامع و مساجد محله‌ای متعدد، و ارگ حکومتی
مذهبی	راه کاروانسرا و عتبات عالیات، مسجد جامع و مساجد محله‌ای متعدد، نقاره‌خانه، تکایا و حسینیه‌ها	ایجاد انسجام در محلات و یکپارچگی فعالیتهای فرهنگی و مذهبی به وسیله مسجد جامع و مساجد محله‌ای، ایجاد بناهای موقوفه‌ای متعدد توسط شاهزادگان قاجاری و افراد خیر	تعامل مسجد جامع و مساجد محله‌ای با بازار، بازارهای محله‌ای و ارگ حکومتی، ایجاد مساجد در داخل بازار
سیاسی	ارگ حکومتی، میدان مشق نظامی، دیوان‌خانه، کاخ‌های سلطنتی، میدان توپخانه، حصار و ...	حاکمیت شاهزادگان قاجاری و مرکزیت سیاسی در غرب ایران، حمایت از امور نظامی، تجاری و گمرک و استخدام مستشاران خارجی	همجواری میدان توپخانه و ارگ حکومتی با بازار و مسجد جامع در مرکز بافت قدیم شهر
طبیعی	رودخانه آبشوران، آب و هوای معتدل و حاصلخیزی زمینهای کشاورزی	شکل‌گیری بخشی از بافت اصلی اعم از بازار، باغها و کاخهای سلطنتی در کنار رودخانه در تولید میوه و سبزی	تامین آب در کنار استفاده محدود از قنات، ایجاد باغ‌سازی در مجاورت ارگ حکومتی

در جدول فوق به بررسی عوامل مؤثر در توسعه شهر کرمانشاه در دوره قاجار پرداخته شده است (Zareei & coworker, 2017).

۳-۱ خانه‌های کرمانشاه

معماری خانه‌های ایرانی همواره با طبیعت ارتباطی صمیمانه داشته است. از خانه‌های فشرده درونگرای مناطق سردسیر تا خانه‌های نواحی گرم و خشک همگی به نحوی با بستر خود هماهنگی داشته‌اند. جدایی بخش‌های زمستان‌نشین و تابستان‌نشین و حوزه‌بندی فضاهای خانه نشانگر این است که از لحاظ اقلیمی و مادی با محیط خود سازگاری داشته‌اند. دخل و تصرف در فضا، نظم و نسق دادن، سازماندهی و ساماندهی فضا و معنا دادن به آن، معماری خانه را پدید می‌آورد (Haeri Mazandarani, 2010). ساختار الگوی درونگرا در خانه‌های سنتی کرمانشاه با معماری مرکزی ایران تفاوت زیادی ندارد. ساختار فضایی معماری کرمانشاه عموماً درونگراست که با ورود الگوی معماری غربی و حضور خیابان از اواخر قاجار شیوه تلفیقی به خود گرفته است (Armaghan, 2013).

۳-۱-۱ ساختار کلی الگوهای خانه سنتی کرمانشاه

- فضای ورودی: کوچه، جلوخان، درگاه، هشتی
 - فضای اصلی: تالار، اتاقهای حول حیاط اندرونی، ایوان سرپوشیده ستوندار (به شکل رواق).
 - فضاهای بخش خدماتی: پستوها، انبارها، مطبخ، سرویس بهداشتی، اتاقهای سکونت مستخدمین
 - فضاهای ارتباطی: هشتی، دالان، حیاط اندرونی و بیرونی، راهپله، زیرزمین
- ساختار فضایی الگوی درونگرا- برونگرا در کرمانشاه شامل فضای ورودی (کوچه، درگاه، هال ورودی)، فضای اصلی (هال مرکزی، اتاقها بصورت ردیفی، بالکن سرپوشیده ستوندار رو به کوچه و ...، فضاهای بخش خدماتی (انبار و ...) می باشد (Pirniya, 1998).

۳-۲ خانه های سنندج

در بافت محله های سنندج، نمونه هایی از معماری مسکونی به جای مانده که دارای ارزش بررسی و مطالعه به صورت منفرد و مجزا هستند به نوشته میرزا عبدالله سنندجی (متخلص به رونق) در تذکره ای امان اللهی در دوره امان الله خان بزرگ معاصر دوره فتحعلی شاه قاجار، چهار هزار ابنیه در سنندج وجود داشته که نشانگر شکوفایی معماری در آن دوره بوده است و هنوز هم از بناهای مسکونی دوره امان اللهی می توان عمارت خسروآباد و عمارت مشیردیوان، وکیل الملک در سنندج نام برد که باقی مانده است (Zareei, 2015: p 32-37).

اگر چه معماری کردستان بر پایه اقلیم، توپوگرافی و توانایی مالی مردم شکل گرفته است، ولی در دوره صفوی این نگرش دست خوش تغییرات گردیده است و تا پایان عصر قاجار و حتی اوایل پهلوی، معماری منطقه مرکزی ایران در این بخش از کشور مورد توجه قرار گرفته است. آثار مهم سنندج در آغاز توسط معماران اصفهانی، که از سوی برخی از خوانین و ثروتمندان به خدمت گرفته می شدند، طراحی و ساخته شده است، بنابراین تأثیر معماری منطقه مرکزی و غلبه آن شکل و فرم بر معماری بومی و کوهپایه ای، امری طبیعی محسوب می شده است. همین امر موجب گردیده است که مهم ترین خصوصیات معماری خانه های مسکونی سنندج، توجه به نماهای داخلی و طرح مدخل ورودی خانه بوده است که هر خانواده ای بر اساس بضاعت و توان مالی، از سردرهای باشکوهی برخوردار بوده اند که آثار آنها هم اکنون نیز به چشم می آید (The same, 2015).

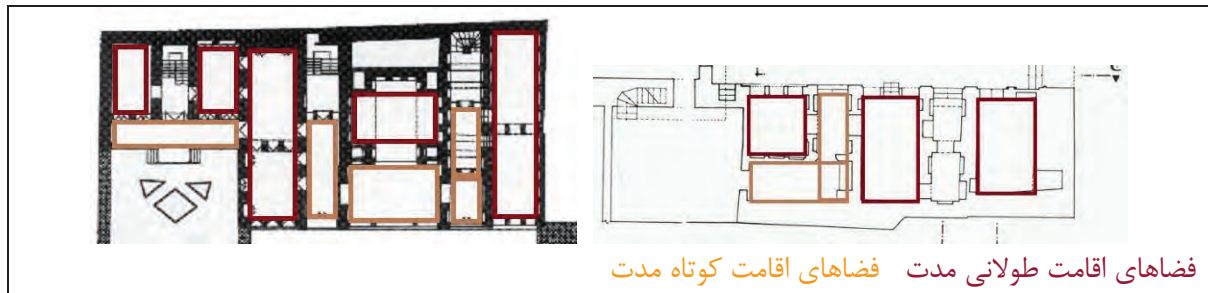
از مولفه های معماری سنندج؛ درونگرایی معماری خانه ها می باشد. از واژه درونگرایی در معماری می توان معانی مختلفی را استنباط کرد. این واژه قبل از این که رنگ معماری به خود بگیرد از دیدگاه اخلاقی و عرفانی نیز در برگیرنده معانی و مفاهیمی از قبیل «تودار بودن»، گرایش به حالات درونی و پرهیز از نشان دادن آن حالات به صورت تظاهر است. کالبد معماری درونگرا اگر چه در درجه اول به دلیل نیاز اقلیمی، درونگرا شده است؛ اما می تواند به تدریج زمینه ساز ایجاد فرهنگ رفتاری و اخلاقی درونگرا باشد.

۴- روش تطبیق و نمونه‌های مورد مطالعه

به منظور شناخت معماری خانه‌های تاریخی موجود در کرمانشاه و سنندج، تقریباً تمامی خانه‌های شاخص که ویژگی‌های کلی خود را جهت مطالعه و شناخت حفظ کرده‌اند مورد بررسی قرار گرفته است. نمای خارجی و متعاقب آن پلان و آرایش فضاها نقش تعیین کننده‌ای در تطبیق برعهده داشته‌اند، در حالیکه طراحی داخلی، سازه و مصالح ساختمانی، هر چند ممکن است در تمایزها موثر نباشند ولی نقش تنوع بخشیدن را دارند. جهت شناخت بیشتر خانه‌های سنتی کرمانشاه و سنندج از میان گزینه‌های موجود برای شناخت، بررسی انواع نقش بدنه‌ها و نماهای خارجی از زیر مجموعه نمای خارجی صورت گرفته است. بررسی انواع فضاهای باز، بسته و نیمه باز به عنوان زیر مجموعه‌ای از پلان و بررسی انواع فضاهای اقامت طولانی و کوتاه مدت و شیوه‌های ترکیب و گسترش فضاها به عنوان زیرمجموعه‌ای مشترک از پلان و آرایش فضاها انتخاب شده است. دو متغیر مهم و عامل اصلی پدیدآوردن تفاوت و تمایز مسکن انسان و طبیعت تلقی می‌شوند بنابراین این مورد از شیوه‌های مورد استفاده انسان جهت هماهنگ ساختن بنای خود با طبیعت و استفاده از مواهب طبیعی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. روشهای معمارانه که در این قسمت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند به صورت اجمالی در دیاگرامی در پایان بحث ارائه شده است.

۴-۱ انواع فضاهای اقامت طولانی و کوتاه مدت و شیوه‌های ترکیب و گسترش فضاها

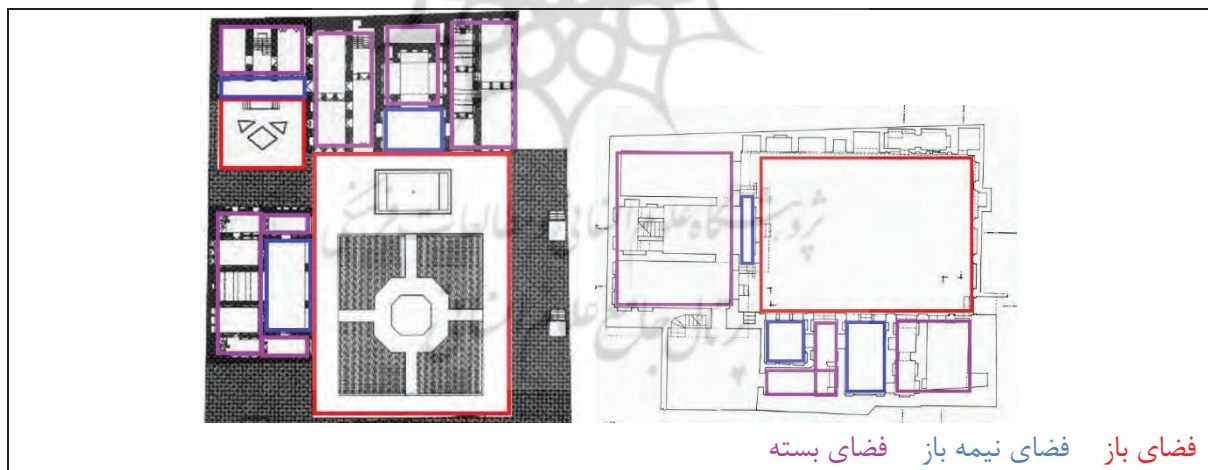
یکی از ویژگی‌های برجسته و مثبتی که توسط معماران ایرانی مورد استفاده قرار می‌گرفته است امکان ترکیب چند فضای خرد با یک فضای کلان‌تر یا بالعکس بوده است. این ویژگی و انعطاف‌پذیری بدین معناست که فضاها در عین استقلال و تعریف منحصر به خود امکان ترکیب شدن و نامحدود بودن را داشته باشند. این ویژگی علاوه بر گسترش فضاها و پاسخگویی به نیاز زندگی فردی و اجتماعی و همچنین پاسخگویی به اصل حریم بین محرم و نامحرم کیفیت فضا را از منظر چشم‌انداز و نور ارتقاء می‌دهد. به عنوان مثال اتاق ورودی که به حیاط مرکزی راه داشته و همچنین پس اتاق که برای سکونت فرد یا زوج تعریف شده و هویت مشخص و استقلال خود را دارا هستند، همزمان امکان گسترش و ترکیب با فضای اتاق ارسی را توسط جای‌گیری و استقرار مناسب درها نیز داشته‌اند؛ این امر علاوه بر بسط فضایی و امکان تجمع در مراسمات مختلف، امکان حضور نور بیشتر و همچنین گسترش چشم‌انداز به فضای باز را نیز می‌دهد. علاوه بر این ارسی توسط اتاق مجاور خود امکان ارتباط با اتاق شاه- نشین را نیز پیدا می‌کرده است (شکل ۱).



شکل ۱: سمت راست خانه جلیلیان کرمانشاه و سمت چپ خانه مشیردیوان سنندج (Reference: cultural heritage and writers)

۲-۴ انواع فضاهای بسته، باز و نیمه باز

معماران ایرانی شیوه‌های گوناگونی را در برخورد و استفاده از عناصر تعریف‌کننده فضا یعنی «دیوار، سقف و کف» داشته‌اند. این سه عنصر نقش اصلی در تعریف فضا را ایفا می‌کرده‌اند. تقریباً تمام خانه‌های مورد مطالعه این سه عنصر؛ سه نوع الگوی فضایی را ایجاد می‌کرده‌اند: فضای باز، فضای نیمه باز و فضای بسته. هر یک از این سه الگوی فضایی توسط سه عنصر ذکر شده تعریف می‌شده‌اند؛ عمدتاً فضای بسته توسط سه عنصر سقف، کف و دیوار تعریف می‌شده؛ فضای نیمه باز توسط عناصر سقف و کف تعریف می‌شده و عناصر دیوار و کف در تعریف فضای باز نقش فعالتر و موثرتری را دارا بوده‌اند. نمونه یک فضای باز حیاط اندرونی یا بیرونی، نمونه فضای نیمه باز ایوان‌ها و برخی راهروها و نمونه فضای بسته انواع اتاق‌ها است. در خانه‌های کرمانشاه نیز این سه عنصر به طور مشخص ذکر شده و دارای کاربرد خاص خود می‌باشند (شکل ۲).

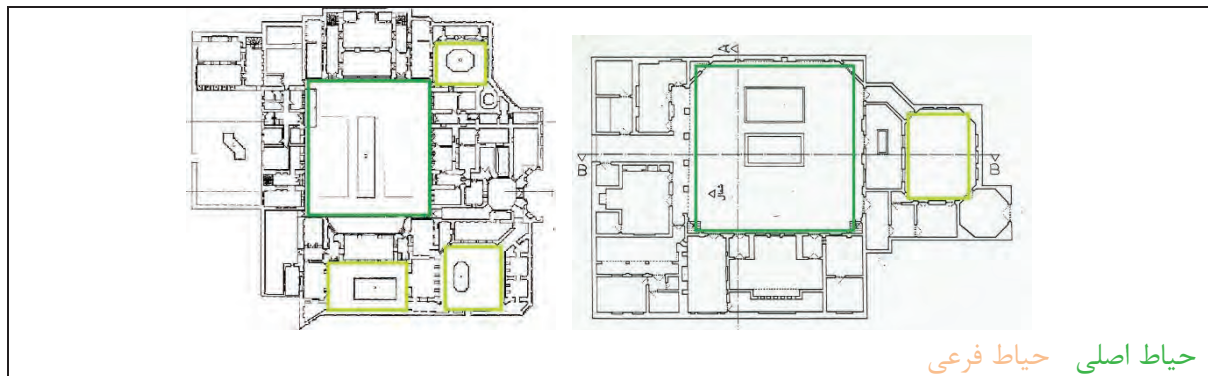


شکل ۲: سمت راست خانه جلیلیان کرمانشاه و سمت چپ خانه مشیردیوان سنندج (Reference: cultural heritage and writers)

۳-۴ هم‌نشینی طبیعت با خانه

جنبه دیگر نقش طبیعت در طراحی خانه، قرارگیری و زمینه ساخت خانه در بستر آن است و طراحی باید بر اساس موقعیت واقعی زمین باشد. لازمه سکونت مطلوب، طراحی مطابق با طبیعت و آب و هوای خوش است. لذا یکی از شروط مکان‌یابی در قرآن، آن است که با محیط طبیعی اطراف خود پیوند داشته و با آوردن فضای سبز به درون شهر و خانه، بهره‌گیری و احترام کامل به طبیعت در طراحی و ساخت را نشان دهد. آنچه در خانه‌های مورد مطالعه به چشم می‌خورد ارتباط متعادل با طبیعت و بهره‌گیری از آن در تکتک بناها می‌باشد لذا لازم می‌باشد که این جنبه از

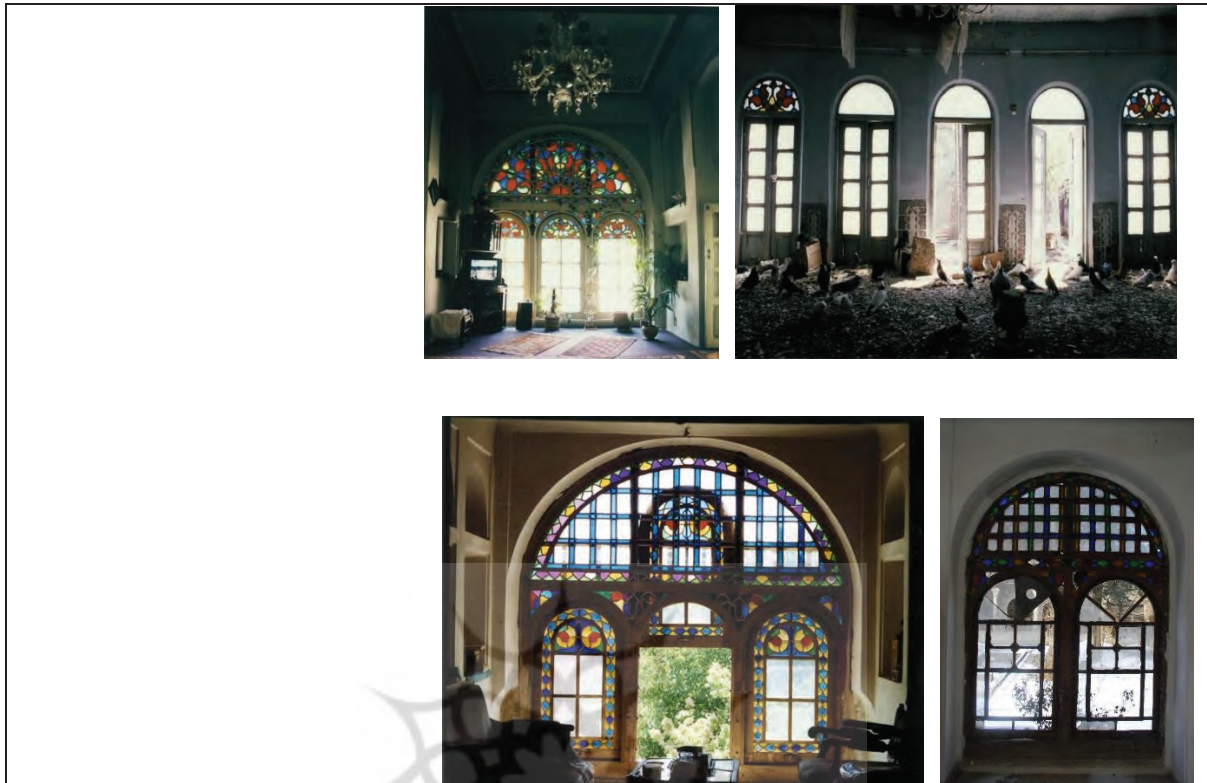
طراحی نیز مورد کنکاش قرار گیرد. علاوه بر آن استفاده از فرم حیاط مرکزی علاوه بر بکارگیری طبیعت مساله حریم و محرمیت را نیز به خوبی تامین می‌کرده است (شکل ۳).



شکل ۳: سمت راست خانه رنده‌کش کرمانشاه و سمت چپ خانه مشیردیوان سنندج (Reference: cultural heritage and writers)

۴-۴ انواع حضور نور در فضا

عناصر نورگیری در معماری سنتی ایران از دو جهت مورد مطالعه قرار می‌گرفته‌اند، گروه اول به عنوان کنترل‌کننده‌های نور مانند انواع سایبان‌ها و دسته دوم نورگیرها. گروه اول نقش تنظیم نور وارد شده به داخل بنا را بر عهده داشته‌اند و به دو دسته تقسیم می‌شده‌اند: دسته اول آنهایی که جزء بنا بوده‌اند مانند رواق و دسته دوم آنهایی که به بنا افزوده شده و گاهی حالت تزئینی داشته‌اند؛ همچون پرده. عناصری که به عنوان نورگیرها مطرح می‌شده‌اند نامهای مختلفی داشته‌اند ولی همه نورگیر بوده‌اند و شامل: روزن، شباک، در و پنجره مشبک، جام‌خانه، هورنو، ارسی، روشندان، فریز و خون، گلجام و در مقابل عناصری مانند رواق، پرده، تابش‌بند، سایه‌بان‌ها، سرداق و ساباط قرار دارد که نقش کنترل‌کننده نور و تنظیم آن برای ورود به داخل بنا را بر عهده دارند. یکی از عوامل مهم معماری در تقسیم و شکست شدت نور، هشتی‌های ورودی بوده‌اند که گرد و یا چند ضلعی ساخته می‌شده‌اند. در بالای هشتی معمولاً نورگیری وجود داشته که نور متمرکز ملایمی را در ساعات مختلف روز به داخل انتقال می‌داده است (شکل ۴).



شکل ۴: بالا سمت راست: پنج دری صارم الدوله و سمت چپ ارسی ضلع جنوبی معین‌الکتاب - پایین سمت راست: پنجره دولنگه خانه وکیل و سمت چپ ارسی عمارت خسروآباد (Reference: writers).

۴-۵ انواع الگوی بدنه‌ها و نماها

در هر دوره زمانی از معماری ایران یکی از خلاقیت معماران تنوع بخشی به عناصر پوششی و ارائه هنر مختص به خود بوده است. توان ترکیب متعادل مصالح با یکدیگر، رنگها، پر و خالی کردن بدنه‌ها، استفاده از انواع طاق‌نماها و کاشیکاری‌ها، مقرنس‌ها و ... امکان جان بخشیدن به فضا و تحکیم آن را ایجاد می‌کرده است. این عامل همچنین باعث ثبات بیشتر فضا شده و فضا را از حالت خنثی در می‌آورده و کیفیت فضا را غنا می‌بخشیده است (شکل ۵).



بازشو مصالح آجر

شکل ۵: سمت راست خانه رنده‌کش کرمانشاه و سمت چپ عمارت خسروآباد سنندج (Reference: cultural heritage and writers)







۵- مقایسه برخی عناصر معماری خانه‌های سنتی کرمانشاه و سنندج

با بررسی عناصر معماری برخی از خانه‌های سنتی کرمانشاه و سنندج؛ در این دو منطقه می‌توان معماری آنها را مقایسه و مشاهده نمود.

۱-۵ درونگرایی و برونگرایی

در ایران به دلایلی چون خطر مصادره و فروتنی ناشی از تفکر اسلامی، خانه تا اواخر قرن نوزدهم به صورت درونگرا بوده است و هر گونه جلوه‌گری را به جداره‌های حیاط مرکزی و فضای خصوصی محدود می‌کرده است. اواخر قرن نوزدهم و با سفر معروف ناصرالدین شاه به فرنگ تصمیم گرفته شد تا ایران و ایرانی از مواهب تجدد بهره‌مند شود. چون این رویکرد سطحی و روبنایی بود که باعث شد در معماری از الگوهای مسکن و نماهای اروپایی تنها کپی برداری شود. از آن زمان بود که بعضی افراد طبقه ثروتمند جامعه ساختمانهایی با الگوهای اروپایی ساختند. در زمان پهلوی به مرور زمان ساختمان‌سازی به شکل برونگرا مرسوم شد (جدول ۲).

جدول ۲: درونگرایی و برونگرایی در خانه‌های سنتی کرمانشاه و سنندج

سنندج	کرمانشاه	درونگرایی و برونگرایی
		
وکیل (درونگرا)	فیض مهدوی (درونگرا)	
		
احمدزاده (برونگرا)	رنده کش (درونگرا)	
		
خانه مشیردیوان (درونگرا)	خانه جلیلیان در دوره پهلوی برونگرا (درونگرا)	


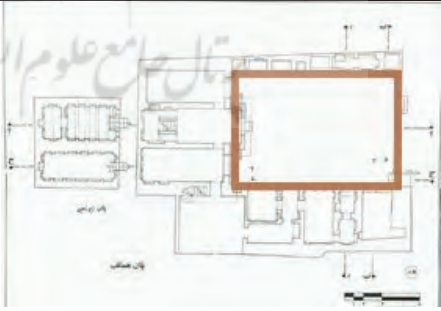
 <p>خانه آصف (درونگرا)</p>	 <p>خانه سوری (به دلیل تغییر ساختار نمیتوان گفت)</p>	
 <p>عمارت خسروآباد(برونگرا)</p>	 <p>خانه خدیوی (برونگرا)</p>	

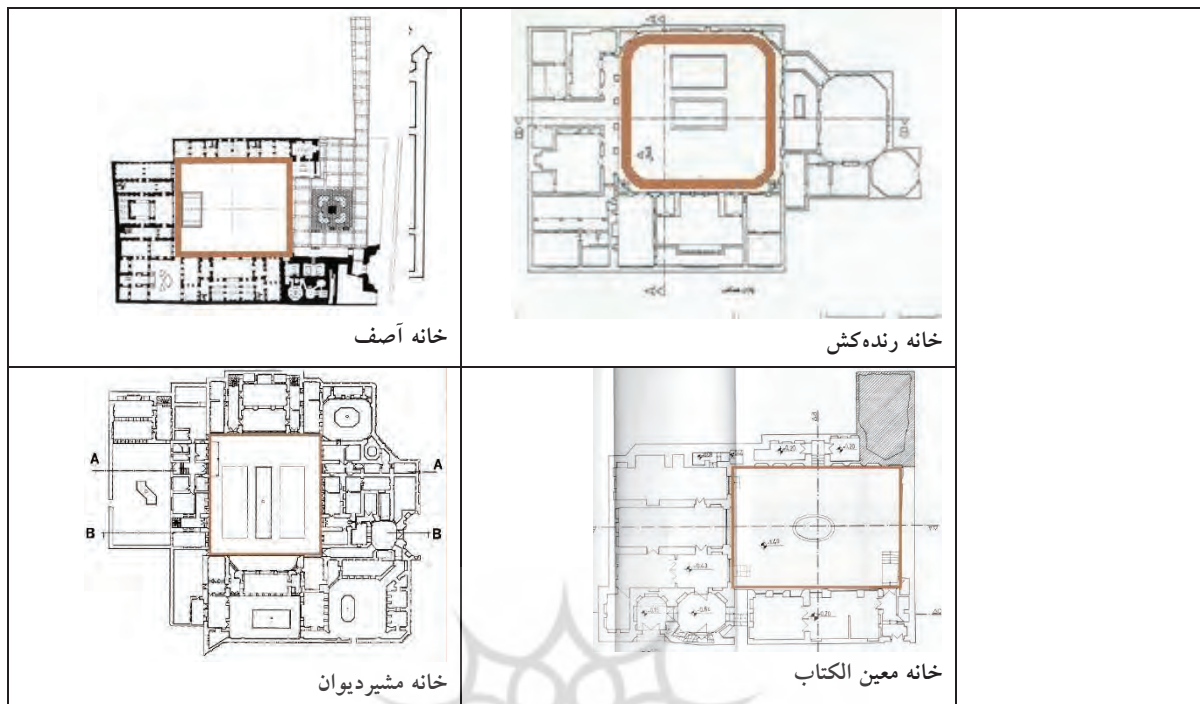
در جدول فوق به بررسی درونگرایی و برونگرایی در خانه های سنتی کرمانشاه و سنندج پرداخته شده است.
(Reference: writers)

۲-۵ پر و خالی

خانه های قاجار دارای حیاط بیرونی و اندرونی بوده اند که مویذ درونگرا بودن پلان در این دوره می باشد. در حالی که در دوره پهلوی تنها یک حیاط طراحی می شده است که این مسئله حاکی از برونگرا بودن پلان می باشد (جدول ۳).

جدول ۳: بررسی نحوه قرارگیری حیاط در خانه های سنتی کرمانشاه و سنندج

<p>سنندج</p>  <p>خانه احمدزاده</p>	<p>کرمانشاه</p>  <p>خانه جلیلیان</p>	<p>پلان</p>
---	--	-------------



در جدول فوق به بررسی نحوه قرارگیری حیاط در خانه‌های سنتی کرمانشاه و سنندج و سنندج پرداخته شده است.
(Reference: writers)

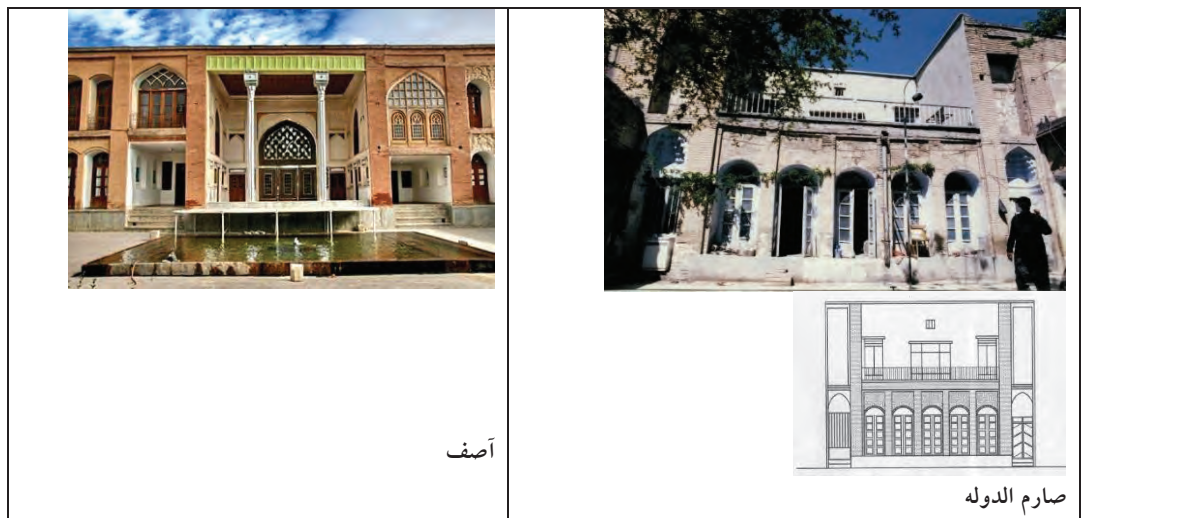
۳-۵ نما

همانطور که در جدول نشان داده شده است در دوره قاجار، در نماسازی به اطراف حیاط مرکزی تاکید می‌شده است، تزئین نمای بیرونی، بسیار محتاطانه بوده است و حداکثر در اطراف درب ورودی شکل می‌گرفته و بقیه سطح نما دیواری کاه‌گلی بوده که نفوذناپذیری و یکپارچگی یک سد را القا می‌کرده است. اما در زمان پهلوی که ساختمان‌سازی به شکل برون‌گرا مرسوم شد نماسازی‌ها در جداره خارجی ساختمان‌ها برگرفته از معماری غرب صورت می‌گرفته است (جدول ۴).

جدول ۴: نما در خانه‌های سنتی کرمانشاه و سنندج



 <p>خانه احمدزاده</p>	 <p>خانه گل انبار</p>	<p>نما</p>
  <p>عمارت خسروآباد</p>	  <p>خانه جلیلیان</p>	
  <p>مشیر دیوان</p>	  <p>خانه رنده کَش</p>	







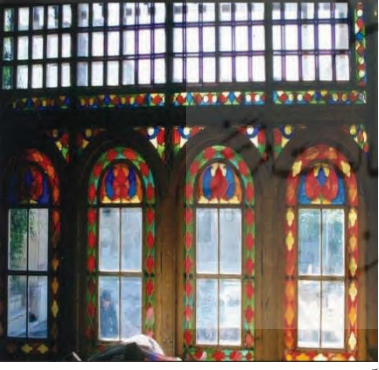



در جدول فوق به بررسی نما در تعدادی از خانه‌های سنتی کرمانشاه و سنندج پرداخته شده است (Reference: writers).

۵-۴ ورودی

فضای ورودی نسبت به سایر فضاها و اجزای هر واحد معماری - واحدهایی که دارای طراحی معمارانه و شایسته‌ای بوده‌اند - از ویژگی‌ها و امتیازات خاصی برخوردار بوده‌اند، زیرا علاوه بر کارکرد اصلی آن به عنوان یک فضای ارتباطی؛ از لحاظ بصری و ادراکی نیز فضایی رابط بین یک بنا با فضاهای شهری بوده و غالباً معیاری برای تشخیص ارزش و هویت معماری و اجتماعی هر بنا، به‌خصوص در شهرهای دارای بافت پیوسته و مترکم، به شمار می‌آمده است که این موضوع، توجه به بررسی این فضا را ضروری می‌سازد (Dousti, 2010).

در زمان قاجار و پهلوی به دلیل ارتباط بیشتر با غرب، معماری دچار تحول و دگرگونی شده که ورودی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. یکی از عناصر اصلی ورودی‌ها سردر بوده است که نسبت به اجزاء دیگر از ویژگی‌ها و امتیازات خاصی برخوردار بوده است. زیرا علاوه بر این که به عنوان یک عنصر رابط بین برون و درون خانه محسوب می‌شده، از لحاظ زیبایی بصری نیز شاخصی برای تشخیص ارزش هویت و معماری هر ساختمان بوده است (Mohamadi, 2011) (جدول ۵).

جدول ۵: بررسی ورودی خانه های سنتی کرمانشاه و سنندج

سنندج	کرمانشاه	
 <p data-bbox="667 772 711 801">امجد</p>	 <p data-bbox="1050 772 1114 801">جلیلان</p>	<p data-bbox="1310 562 1406 591">پنجره و در</p>
 <p data-bbox="523 1182 711 1211">وکیل (پنجره دو لنگه)</p>	 <p data-bbox="1082 1182 1145 1211">خدبوی</p>	
 <p data-bbox="587 1597 711 1626">آصف (ارسی)</p>	 <p data-bbox="970 1597 1145 1626">معین الکتاب (ارسی)</p>	
 <p data-bbox="560 1951 711 1980">مشیردیوان (ارسی)</p>	 <p data-bbox="1007 1951 1145 1980">رنده کش (ارسی)</p>	




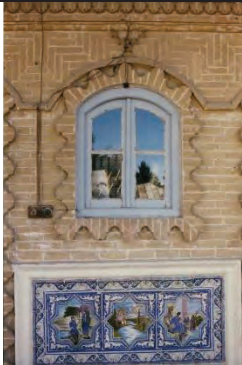


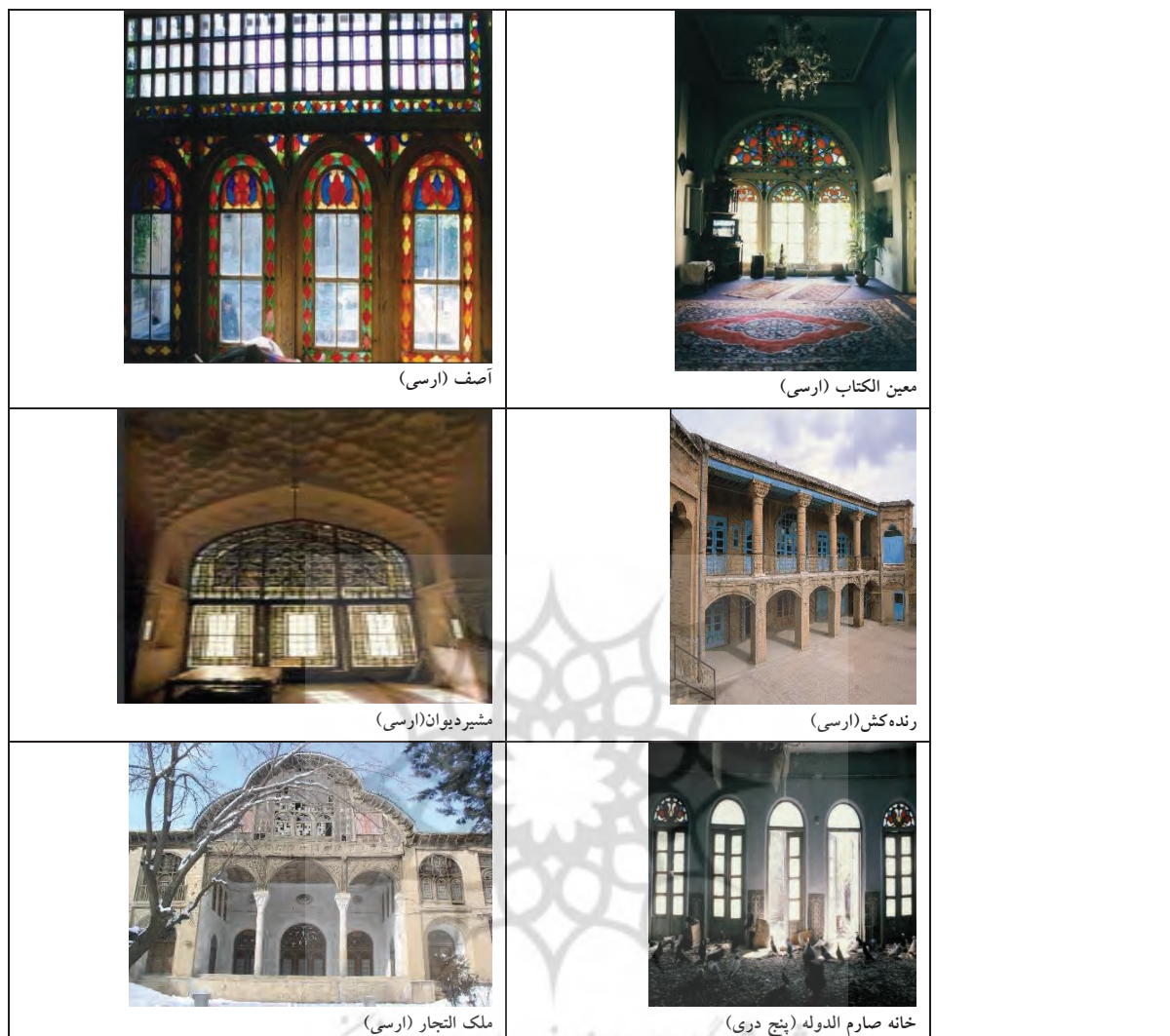
در جدول فوق به بررسی ورودی تعدادی از خانه‌های سنتی کرمانشاه و سنندج پرداخته شده است (Reference: writers).

۵-۵ بازشو

بازشوی‌های چوبی یا هنر ارسی‌سازی (در و پنجره‌های مشبک چوبی که بین شبکه‌ها با شیشه‌های کوچک معمولاً رنگی پر شده) از اواخر دوره قاجار تا اوائل پهلوی رواج فراوان داشته و به احتمال زیاد پس از آن به خاطر مقرون به صرفه نبودن متروکه مانده است. پنجره‌های ارسی با توجه به کاربردهای مختلف در مکان‌های مختلف، مسجد، مدرسه، بازار، سرا، حسینیه و غیره مورد استفاده قرار می‌گرفته است؛ از خصوصیات برخی از ارسی‌ها دو جداره و دو طرفه بودن، نقوش و تزئینات کار شده بر پاتاق و درک‌های ارسی بوده است، که با ظرافت و تناسب بسیار چشم‌نوازی اجرا شده‌اند (جدول ۶).

جدول ۶: بررسی بازشو خانه‌های سنتی کرمانشاه و سنندج

سنندج	کرمانشاه	پنجره و در
 <p>امجد</p>	 <p>جلیلان</p>	
 <p>وکیل (پنجره دو لنگه)</p>	 <p>خدیبوی</p>	



با مقایسه پنجره‌های دوره قاجار و پهلوی این نتیجه حاصل شده است که در دوره قاجار این بازشوها به صورت ارسی‌های دو طرفه و پر از نقوش و بسیار کار شده بوده اما در دوره پهلوی این هنر با ورود فلز به معماری کمتر استفاده شد و ارسی‌هایی هم که در این دوره بوده‌اند با تزیینات و نقوشی ساده و با شیشه‌های بزرگتر اجرا می‌شده‌اند.

۶- نتیجه‌گیری و دستاورد های علمی و پژوهشی

پس از بررسی‌های میدانی گونه‌های مسکونی کرمانشاه و سنندج از منظر بهره‌مندی از طبیعت و فضاهای باز، بسته و نیمه باز، فضاهای اقامت طولانی و کوتاه مدت، نقش بدنه‌ها، انواع نور در فضاها و شیوه همنشینی با طبیعت و تطبیق آن با مطالعات کتابخانه‌ای، منتج به نتایجی در مورد خانه‌های کرمانشاه و سنندج شده است. نتایج حاصل از بررسی چند مورد خانه‌های شاخص سنتی در کرمانشاه و سنندج به شرح زیر بیان شده است: شاخص‌ترین خانه‌های سنتی این دو منطقه متعلق به دوره قاجار و بعضاً اوایل پهلوی اول می‌باشند. اکثر بناها دو اشکوبه بوده و دارای یک یا دو

حیاط و در مواردی بیش از دو حیاط می‌باشند. درونگرایی مساله‌ای است که در اکثر خانه‌ها به عنوان یک اصل مشترک وجود دارد و در تعداد معدودی برونگرایی مشاهده می‌شود یا درونگرا بوده است و در دوره‌ای برونگرا شده است. شایان ذکر است معماری خانه‌های سنندج ابتدا به صورت برونگرا بوده است و در دوره‌ای متولان شهر از معماران مناطق مرکزی ایران برای ساخت عمارت‌های خود دعوت کرده‌اند و به این ترتیب درونگرایی مناطق مرکزی وارد معماری سنندج شده است. ارسی عنصر مشترک دیگری است که در تمام خانه‌ها وجود داشته و نورگیری اتاق‌های خاصی توسط این ارسی‌های زیبا اتفاق افتاده است. پوشش بام بناها عموماً به صورت تخت و در برخی شیروانی پوش است، در کنار برخی از خانه‌ها ساباطی در یک ضلع بنا دیده می‌شود. مصالح بناها عمدتاً آجر، خشت، چوب و ملاتشان گل آهک و در بخشهایی نیز از کاهگل استفاده شده، تزئینات بناها اکثراً آجرکاری است. در بناهای کرمانشاه آجرکاری در کنار گچبری خودنمایی می‌کند در حالیکه در خانه‌های سنندج علاوه بر آجر و گچبری از آینه‌کاری و میناکاری در خانه‌ها استفاده شده است. در مورد بدنه‌ها و نماهای خارجی خانه‌های کرمانشاه؛ به دلیل اقلیم سرد این منطقه بیشترین بخش نما را بازشوهای جبهه‌های شمالی و جنوبی در بر می‌گرفته است که علاوه بر آنکه نقش نورگیری را ایفا می‌کرده‌اند؛ به نحوی نمای قرینه و متوازن این منازل را نیز شکل می‌داده‌اند که در کنار دو اشکوبه بودن منازل و ستونهای موجود در نمای خانه‌ها؛ گویای نماهای خاص این منازل می‌باشد. در مقابل خانه‌های سنندج به دلیل الگوبرداری از خانه‌های مرکزی ایران همچنان مساحت کمتری را به بازشوها اختصاص داده و به نحوی نور را برای ورود به فضاها مدیریت و محدودتر کرده است. در خانه‌های هر دو منطقه، ورودی خانه‌ها با یک هشتی آغاز می‌شده که دارای طاق‌نماهای آجری است. سپس وارد حیاط بیرونی می‌شده‌اند. در یک ضلع این حیاط‌ها معمولاً حوضخانه قرار داشته که حد فاصل اندورنی و بیرونی بوده است یعنی از هر دو طرف نور می‌گرفته اما ورودی آن از حیاط اندورنی بوده است. در طبقه فوقانی حوضخانه گاهی اتاقهایی قرار داشته که آنها نیز از هر دو حیاط نور می‌گرفته‌اند و پس از عبور از راهرو وارد حیاط اندورنی می‌شده‌اند. تالار خانه در یک ضلع واقع است با یک ارسی و چند در کوچکتر، در طرفین ارسی معمولاً اتاقهایی قرار داشته‌اند که مستقلاً به ایوان باز می‌شده‌اند. در ضلع دیگر نیز اتاقهایی بوده‌اند و در طبقه همکف معمولاً حمام قرار داشته است که سقف حمام اکثراً به صورت گنبدی بوده است. طبقه پایین و بالا دارای ایوان ستوندار بوده؛ این ستونها منحصر به یک شکل نبوده‌اند؛ به عنوان نمونه در خانه «رنده‌کش» در کرمانشاه؛ ستونهای طبقه همکف آجری و چهارگوش می‌باشد، در حالیکه طبقه فوقانی با ستونهایی با مقطع گرد و سرستونهای مقرنس تزئین یافته است. خانه آصف در سنندج دارای سرستونهایی به شیوه کورنتین و نیز ستونهایی رنگی با تزئینات طنابی می‌باشد. در مورد گچبری‌های مورد استفاده در خانه‌های این دو شهر تفاوتی که بسیار مشخص است و خود را نمایان می‌کند تفاوت در رنگهای مورد استفاده در این گچبری‌ها و بزرگنمایی‌ها و تعدد آنها در عمارت‌های سنندج می‌باشد. در خانه‌های این دو منطقه؛ طبقه اول معمولاً دارای ایوان است که با چند ستون و نیم ستون متصل به دیوار که عموماً مقاطع مدور دارند تزئین می‌شوند. این ستونها با سرستونهای مقرنس آجری و معقلی‌های رنگی تزئین می‌شدند و نرده‌های آهنی این ایوانها را محصور می‌کرده‌اند.

درهای ورودی خانه‌ها دارای چفت و کلون و کلیدهای بعضاً با اندازه‌های خاص می‌باشند. در نمای تعدادی از ساختمانهای سنندج از غلامگرد استفاده می‌شده است در حالیکه در ساختمانهای کرمانشاه چنین مساله‌ای وجود نداشته است. علاوه بر آن در سنندج سقف شیروانی با طرح کلاه فرنگی بیشتر از کرمانشاه مرسوم بوده است. و در یک جمله می‌توان بیان کرد که خانه‌های قدیمی کرمانشاه و سنندج در نوع خود دارای ارزش و غنای فرهنگی و معماری می‌باشند.

Reference

1. Abol Ghasemi, 2006; Islamic Art and Architecture of Iran, First Edition, Edited by: Ali Omrani Pour, Tehran: Urban Development and Improvement Organization.
2. Afshar Sistani, Eraj; 2004. Kermanshah and its Ancient Civilization. Book Gallery Publishing.
3. Ardalan, Nader & Bakhtiyar, L; 2010. Sense of Unity, Mystical Tradition in Iranian Architecture, Khak Publishing, Tehran.
4. Armaghan, M; Servatjou, H; 2013. Spatial organization of contemporary housing: Utilizing the model of traditional architecture, National Conference on One Hundred Years of Architecture and Urban Planning in Contemporary Iran, Karaj, Alborz Province Building Engineering System Organization.
5. Bahmani, E, Goudarzi Soroush, M & Zareei, M; 2017. Investigating the Knowledge of Contextual Factors in the Houses and the Ancient Texture of Sanandaj with a Look at the Characteristics of Vakil-ol-Molk Mansion.
6. Bani Masoud, Amir; 2011. Contemporary Iranian Architecture. Publication of the Architectural Art of the Century.
7. Barati, Naser; 2008. Recognizing the Concept of House in Persian Language and Culture, Khayal Magazine, No. 8.
8. Dana Salem, M, Hasanpour, F & Dejdar, O; 2020. Physical-Mental Typology of Indigenous Housing in Western Kurdistan Based on Historical-Evolutionary Perspective (Moratorium School), Quarterly Journal of Housing and Rural Environment. Volume 38, Number: 165.
9. Dousti Motlagh, Payvand; 2010. A Study of Input History, Tehran: Armanshahr Quarterly.
10. Eesavi, CHrlz; 1983. Economic history of Iran (Qajar era), Translator: Yaeghoub Azhand. Tehran: Gostareh Publications.
11. Saghapour, H, Mousavi, M & Daneshvar, Z; 2012. Reflections on Full and Empty Spaces in Iranian Residential Architecture.
12. Farshadfar, Zeynab; 2012. Typology of Kermanshah Residential Architecture with the Aim of Presenting a Housing Model. Afhami, Asgharzadeh.
13. Ghasemi Seichani, M, Memariyan, Gh; 2011. Typology of Qajar Period House. City Identity. Fall and Winter 2011. Volume 4. Number 7.
14. Ghobadiyan, Vahid; 2005. Climatic Study of Traditional Iranian Buildings. University of Tehran Press.
15. Grouteh, R. K; 1990. Travelogue, Translator: Majid Jalilvand. Tehran: Markaz Publications.
16. Haeri Mazandarani; 2010. House of Nature Culture, Study of the Architecture of Historic Houses in Order to Compile the Result of House Design, Urban Planning and Research Center and Architecture.
17. Kapen, David Smeet; 2010. Fundamentals of Western Architecture- Volumes II and III. Translator: Ali Yaran. Tehran: Shahidi Publications.
18. Kateb, Fatemeh; 2006. Architecture of Iranian Houses. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
19. Khalaj, T, Foroutan, M; 2007. Investigating the Spatial Structure of Home and Family - Anthropology of Housing. Third International Conference on Science and Technology Research.

20. Mak Davel, David; 2007. Contemporary history of the Kurdish people, Translator: Ebrahim Unesi. Tehran: Third Edition.
21. Memariyan, Gh; 2009. Introduction to Iranian Residential Architecture- Introverted Typology. Tehran: Soroush Danesh Publications.
22. Memariyan, Gh; 2012. A Look at the Theoretical Foundations. Tehran: Soroush Danesh Publications.
23. Mohamadi, M, Rajabi, M; 2011. A Study of the Inscriptions on the Entrances of Tehran from the Qajar Period to the Present. Tehran: Nagreh Scientific Research Quarterly.
24. Nour Aghaei, Arash; 2008. Iranian Architecture, Introverted Architecture, Tehran Emrooz Magazine.
25. Pirniya, M; 1998. Introduction to Iranian Islamic Architecture. Tehran: Author Publications.
26. Pirniya, M; 2009; "Iranian Architecture", Edited by: Gholam Hossein Memarian, First Edition, 2008, Tehran, Soroush Danesh Publications.
27. Soltanzadeh, Hosein; 1994. Entrance Spaces in Traditional Iranian Architecture, Deputy of Social Affairs and Tehran Municipality.
28. Tabasi, M, Mokhtari, M; 2015. Investigation of Spatial Organization Analysis in Old Houses of Qajar Period in Yazd.
29. Taghvaei, Vida; 2008. "The Hidden Space System of Iranian Architecture and its Structure". Fine Arts No. 30, Tehran.
30. Vaezi, Mohamad Reza & Colleagues; 2019. Presenting a New Approach in Architectural Design with Umberto Eco Semantic Approach. Journal of New Attitudes in Human Geography, Year 10, Issue 4.
31. Zareei, Mohamad Ebrahim; 2012. Introducing three Houses in the Style of Introverted Architecture During the Safavid and Qajar eras in Sanandaj, National Conference on Islamic Art, Birjand University.
32. Zareei, Mohamad Ebrahim; 2015. Traditional Houses of Sanandaj, Kurdistan University Press, Sanandaj.
33. Zolfagharzadeh, H; 2007. Dynamic Principles in the Past Architecture of Iran, Third Congress of the History of Architecture and Urban Planning of Iran (Bam Citadel), Cultural Heritage Organization.

Comparative study of traditional houses of Kermanshah and Sanandaj in the Qajar and Pahlavi periods

Behnoosh Malekizadeh

in Architecture, Department of Architecture, College Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (IAUH)

Mohammad Mehdi Soroush *

Master of Science, Department of Architecture, College of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (IAUH)

Salaheddin Molanaei

Master of Science, Department of Architecture, College of Art and Architecture, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran

Manouchehr Foroutan

Master of Science, Department of Architecture, College of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (IAUH)

Abstract

Due to Lifestyle Changes in the last Century, Traditional Houses are Catastrophically Destroyed. Given that Most of the Historic Buildings are Traditional Houses, It is Important to Consider the Importance of this Type of Building. Therefore, the Issue of Recognizing Traditional Houses and Classifying the Patterns Used in them Can be Important for Recognizing and Classifying Similar Buildings. The Purpose of this Study is not to Encourage the Return of the Past and to Imitate Traditional Architecture; Rather, It is the Preservation of this Precious Historical Treasure and How to Get Rid of the Precious Concepts of these Houses. Because the Largest Number of Historical Houses in Kermanshah and Sanandaj are Qajar and Pahlavi. In this Article, a Comparative Study of Qajar and Pahlavi Period Houses has been Studied. The Research Method Used is a Combination. The Present Study Seeks to Answer the Question of Whether the Findings of the Study of Traditional House Architecture Can Lead to a Model for Today's Design. Finally, the Study Found that Paying Attention to the Constituent Elements of Traditional Homes will be Able to Respond to the Pattern of Modern Design Due to their Flexibility with Today's Demands.

Keywords: Traditional Houses, Kermanshah Houses, Sanandaj, Qajar and Pahlavi Houses

* (Corresponding Author) Soroush@iauh.ac.ir